

موضوع روایت: در انتظار مهر (روایت دانش آموزی که خیری بزرگوار زندگیش را نجات داد)

من دانش آموزی در پایه هشتم هستم که پدرم را در سن بسیار کمی از دست دادم در اوایل مرگ پدرم مشکلات و سختی های زندگی را درک نمی کردم و هر چه زمان گذشت ، فشار مشکلات زندگی از جمله مشکلات اقتصادی بر من و خانواده ام بیشتر می شد و مادرم توانایی مقابله با مشکلات را نداشت، هنگامی که در گوشه ای از مشکلاتم غرق شده بودم فردی دستم را گرفت و از باتلاق مشکلاتم بیرون کشید در آن هنگام متوجه حضور معلم در کلاس شدم و آن معلم فرشته نجات زندگی من بود. در ملاقات اول او متوجه زندگی من شد و در پایان کلاس برای دیدن مادرم به خانه ما آمد و با مادرم صحبت کرد و از آن به بعد به ما کمک های مادی و معنوی کرد و هر مشکلی که داشتیم او مارا یاری میکرد . حتی او برای مادرم کار آبرومندی دست و پا کرد که بتوانیم بر پای خود باستیم و دست جلوی بیگانگان دراز نکنیم. این موضوع باعث حفظ آبرو و عزتمان شد.

گاهی برای کمک به دیگران نیاز نیست به آنها ماهی بدهی بلکه باید شرایط ماهیگیری را برایشان فراهم کنی. من به این موضوع که اکنون برای گذران زندگیمان به دیگران رو نمی اندازیم بسیار مفتخرم و سربلند.

او باعث شد که زندگی من تغییر کند و من پیشرفت کنم و به فردی امیدوار و موفق تبدیل شوم.

او همواره حامی کودکانی است که برای گشایش گره از کارشان ، قلبهایی سخاوتمند را به انتظار نشسته اند.

آن معلم قهرمان زندگی همه بچه هایی مانند من بود.